فصلنامه علمی ـ پژوهشی
انجمن مطالعات سیاسی حوزه
سیاست متعالیه
انجمن مطالعات سیاسی حوزه
دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵

تربیت سیاسی دانش‌آموز کارآمد از منظر پیچیدگی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی

عبدالمجید فروزش فرد

گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.am_foruzesh@yahoo.com

علیرضا فقیهی

گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران **(نویسنده مسئول)**. faghihialireza@yahoo.com

محمد سیفی

گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.m.seifi@iau-arak-ac-ir

چکیده

آشنایی افراد آدمی با جهان سیاست از طریق ارتباطات و تعاملات اجتماعی و قبول جامعه پذیری محقق می‌گردد. جامعه‌پذیری سیاسی عاملی است که در این فرآیند فرد با فرهنگ سیاسی جامعه خویش آشنا شده و در کنار تعلیم و تربیت رسمی طی آموزش‌های غیر رسمی هنجارها، باورها، مهارتها و ارزشهای سیاسی جامعه را فرا می‌گیرد. طبق نظریه پیچیدگی نظام آموزش و پرورش به مثابه فراسیستمی پیچیده، خودسازمان‌دهنده با لایه‌های تودرتو بوده که در هر یک از سطوح آن زیرنظام‌هایی با عناصر و عوامل (انسانی و غیرانسانی) متعامل وجود دارد و با سازوکارهای پیچیده‌ای عمل می کنند. مجموعه این تعاملات، شبکه‌ای گسترده را به‌وجود آورده که باعث ایجاد شرایطی نو جهت تولید دانش می گردد، مهمترین هدف آموزش و پرورش مشارکت دادن فراگیران‌دانش، در جهان خود و آفرینش جهانی نو میباشد. دانش‌آموز به عنوان یادگیرنده و برون‌داد نظام آموزش و پرورش عنصر مهم برنامه درسی و موجودی پیچیده، چندبعدی و غیرقابل‌پیش‌بینی، باتعاملات پیچیده با جهان هستی است. دانش‌آموز کارآمد حالت ارگانیک دارد و متناسب با تغییرات دنیای امروز، خود و توانمندی‌هایش را به عنوان یک نظامواره پویا تغییر می‌دهد. نه تنها بر پایه فرهنگ و جامعه خویش پرورش یافته بلکه ویژگی‌هایی در درونش شکل می‌گیرد که او را فراتر از سطح پایه فرهنگ و اجتماعی که در آن پرورش یافته است ارتقا می‌بخشد، آنگونه که به سطح پیچیدگی اجتماعی و بداعت انسانی کافی دسترسی پیدا می‌کند و اوست که می‌تواند عامل بالندگی و پایداری اجتماعی–سیاسی جامعه خویش باشد. هدف کلی این پژوهش تبیین چگونگی تربیت سیاسی دانش‌آموز در جهت تحقق کارآمدی از منظر پیچیدگی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی بوده و سوالات

پژوهش عبارتند از: ۱-ویژگی‌های دانش‌آموز کارآمد از منظر پیچیدگی با تاکید بر نظر امام خمینی کدام است. ۲-ماهیت تربیت سیاسی دانش آموزان و عوامل موثر بر آن کدام است. ۳-تاثیر تربیت سیاسی در اندیشه و رفتار اجتماعی و تعاملات فرد با جامعه و حاکمیت چگونه است؟ تحقیق حاضر کاربردی و در زمره تحقیقات کیفی بوده و از نظر شیوه جمع آوری و تحلیل داده ها از نوع توصیفی تحلیلی می باشد جامعه تحقیق شامل کلیه کتب و مقالات مربوط به حوزه پارادایم پیچیدگی منتشره در حدود ده ساله اخیر و نمونه تحقیق شامل اسناد موجود در دسترس از قبیل کتب، اسناد، مقاله های داخلی و خارجی، پایان نامه ها و اینترنت بوده است. به منظور پاسخگویی به پرسش های پژوهش با مراجعه به اسناد موجود، جمع‌آوری داده‌ها به وسیله فیش برداری انجام گردیده است و با روش های مناسب فیشها کدگذاری، شماره گذاری، طبقه بندی و بازیابی شده و به تحلیل داده ها مبادرت شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها، پژوهشگر اطلاعات مرتبط با مضمون سوالات را استخراج، و به ساختار بندی آنها و پاسخ به سوالات اقدام نموده است. (((پیشنهاد حذف))) نتیجه اینکه برخی عوامل موثر بر تربیت سیاسی فراگیران دانش عبارتند از سیستم آموزش رسمی و غیر رسمی اعم از جامعه و محیط، رسانه، خانواده. همالان و همسالان .کاربست رهیافت‌های برآمده از نظریه پیچیدگی، در شرایط ناپایدار تربیتی، با قید بومی سازی این رهیافت ها و انضمام آنها به رهنمودهای دینی ، منجر به کارآمدی و بهره وری بیشتر سیستم آموزشی شده و پی‌آمد آن تحقق یادگیری موثر و ایجاد تغییر بر اساس نیاز جامعه خواهد بود.

واژه‌گان کلیدی: نظریه پیچیدگی، خودسازمان‌دهی، نوپدیدی، دانش‌آموز، تربیت سیاسی

مقدمه

آشنایی افراد آدمی با جهان سیاست از طریق ارتباطات و تعاملات اجتماعی و قبول جامعه پذیری محقق می‌گردد. جامعه‌پذیری سیاسی عاملی هست که در این فرآیند فرد با فرهنگ سیاسی جامعه خویش آشنا شده و جدای از تعلیم و تربیت رسمی طی آموزش‌های غیر رسمی هنجارها، باورها، مهارتها و ارزشهای سیاسی جامعه را فراگرفته و درونی می نماید. از این راه او به شهروندی تبدیل می‌گردد که انتظارات نظام سیاسی و جامعه خویش را برآورده میسازد. به موازات آموزشهای غیر رسمی از طریق رسانه، جامعه، خانواده و گروه همالان تاثیر نقش مدرسه، کلاس، کتب درسی و محتوای سیاسی انکار ناپذیر است. افهمی۱۳۸۵ اظهار میدارد: هی و تورنی،۱۹٦۷ در تحقیقات خود بدین نتیجه دست یافتند که آموزش و پرورش رسمی و به طور خاص مدارس عمومی یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل در جامعه پذیری سیاسی افراد محسوب میگردند.ایچیلو[1]،۱۹۹۰. کلمن[2] بهترین تعبیر را در مورد رابطه ی مدرسه و دولت دارد. وی بیان می‌دارد: هر چه که در دولت است در مدرسه هم هست و هر چه که می خواهید در دولت وارد کنید باید در مدرسه وارد کنید.شارع پور ۱۳۷۸((در کل تحقیق، شماره صفحات بیان شود))). (شارع پور۱۳۷۸ در افهمی،۱۳۸۵،ص۷-۲۸). زیرا نظام آموزشی به عنوان مجموعه‌ای زیرسیستم از نظام حاکم بوده و بین ایندو رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. بدین گونه که، بصورت یک جریان رفت و برگشتی، حاکمیت مفاهیم، آموزه‌ها و پیام‌های سیاسی تعیینی خود را از طریق برنامه درسی دستوری با مباشرت معلم به فراگیران انتقال داده و متقابلا سیستم آموزشی با انتقال این مفاهیم دانش‌آموزان را جهت عهده‌داری نقش‌های سیاسی و ایجاد پایداری و بقای نظام سیاسی تربیت می‌نماید. طبق نظریه پیچیدگی نظام آموزش و پرورش به مثابه فراسیستمی پیچیده، خودسازمان‌دهنده با لایه‌های تودرتو بوده که در هر یک از سطوح آن زیرسیستم‌هایی با عناصر و عوامل متعامل وجود دارد که با سازوکارهای پیچیده‌ای عمل می کنند. با توجه به ماهیت تحولگرای مبتنی بر تغییر در تئوری پیچیده، مهمترین هدف آموزش و پرورش مشارکت دادن هرچه بیشتر دانش‌آموزان در جهان خود و مشارکت در آفرینش جهانی نو میباشد. از مصادیق بارز این آفرینش در بعد سیاسی-اجتماعی شناختِ ماهیت و ایفای نقش در انتخاب، ایجاد و نظارت بر حاکمیت جامعه و تثبیت آن است. همان‌گونه که امام خمینی نظارت مردم بر قدرت سیاسی و حکومت را به عنوان یک تکلیف این‌گونه بیان می‌دارد. "اگر من یک پایم را کج گذاشتم ملت موظف است که بگوید پایت را کج گذاشتی متوجه باش و خودت را حفظ کن. "(خمینی۱۳٦۰،ص۱٤۹ . .)چنانچه عمل به این وظیفه را یک تکلیف شرعی واجب بدانیم مقدمه آن نیز که آشنایی با وظایف در قالب تربیت سیاسی جهت ایفای نقش در اجتماع است، واجب می‌گردد. بر این اساس فراگیری مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های سیاسی جامعه برهمه از جمله دانش‌آموزان واجب بوده تا قادر به فهم، تحلیل و حل مسائل جامعه و محیط پیرامونی خویش و جهان باشند و نه تنها بر پایه فرهنگ و جامعه خود پرورش یافته بلکه ویژگی‌هایی در درون فرد رشد کند که او را فراتر از سطح پایه فرهنگی و اجتماعی که در آن رشد کرده است برساند. به این معنا که به سطح پیچیدگی اجتماعی و بداعت انسانی کافی دسترسی پیدا کرده و قادر به حل مسائل سیاسی جامعه باشد. "بچه های ما در هر زمانی موافق آن زمان باید تربیت بشوند. و در روایات هم هست که بچه‌هایتان را تربیت کنید به غیر آنطوری که خودتان هستید، برای زمان آتیه، برای اینکه اینها در زمان آتیه باید دست به کار مملکت و کشور بشوند. شما بچه ها را از سیاست از اینطور چیزها دور نگه

1 - ichilov

2 - kolman

ندارید، دور نگه داشتن بچه ها از سیاست آن میشود که وقتی وارد اجتماع شدند، مثل یک آدم کوری وارد اجتماع بشوند. اگر خود اشخاصی که میخواهند در این مملکت در این کشور زندگی بکنند و مقدرات این مملکت دستشان باشد آنها باید آگاه باشند در مسائل روز، آنها مطلع باشند از مسائل روز". (خمینی، روح‌الله((کاملا بر اساس شیوه نامه فصلنامه تنظیم شود، نام نباید ذکر شود))) (خمینی،۱۳۵۸،ص۱۰۶.) "اسلام فقط عبادت نیست، فقط تعلیم و تعلم عبادی و امثال اینها نیست اسلام سیاست است اسلام از سیاست دور نیست." (همان،ص۱۰۷). امام خمینی به عنوان رهبری با فضیلت در شناخت جوانب گوناگون علم سیاست و اخلاق پیوسته در جهت حفظ جوانان به عنوان سرمایه انسانی نهضت مشوق حضور آنها و تقویت شور انقلابی جامعه بوده‌اند. ایشان بیان میدارند: "این شور و شعف را در شما فرزندان عزیزم می بینم و این توجهی که شما به امور اجتماعی خودتان دارید و این علاقه ای که به اسلام و کشور اسلامی خودتان دارید خیلی مسرورم ، ما به شما افتخار می کنیم که اینطور شور و شعف دارید در امور اجتماعی خودتان در امور سیاسی خودتان شما هم در این نهضت تظاهرات کردید فریاد زدید سهیم هستید در این نهضت مقدس، این نهضت مال شماست این کودکهای کوچک، بچه هایی که به سن بلوغ نرسیده اند یا کم سن هستند اینها سهمشان بیشتر است، برای اینکه این کودکان عزیز با ضعف بنیه ای که دارند و با اینکه کوچک هستند ضعیف هستند معذلک در این نهضتها شرکت کرده اند، در این نهضت یا به پای بزرگسالان در این نهضت شرکت کرده‌اند و پا به پای بزرگسالان نهضت رابه پیش برده اند." (همان،ص۲٦۵). تاکید ایشان بر ضرورت تربیت سیاسی نسل نوخاسته چنان است که بیان می‌دارند: اگر در آموزش و تربیت دینی از ابعاد سیاسی و اجتماعی آن غفلت شود انحراف و بدعت در دین است.(خمینی، در آیین انقلاب اسلامی،ص۲۳۱).

بر این اساس هدف کلی این پژوهش تبیین چگونگی تربیت سیاسی دانش‌آموز کارآمد از منظر پیچیدگی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی بوده است. سوالات پژوهش عبارتند از: ویژگی‌های دانش‌آموز کارآمد از منظر پیچیدگی با تاکید بر نظر امام خمینی کدام است. ماهیت تربیت سیاسی دانش آموزان و عوامل موثر بر آن کدام است؟ تاثیر تربیت سیاسی در اندیشه و رفتار اجتماعی و تعاملات فرد با جامعه و حاکمیت چگونه است؟ .((مقاله طبعا یک سئوال اصلی بیشتر ندارد...فرضیه هم بیان شود))

تبیین تربیت سیاسی: از دوران بسیار کهن انبیاء، راهبران دینی، فلاسفه، دانشمندان، مربیان و دولتمردان به تربیت انسانها با بهره‌گیری از اسلوب‌های تربیتی متناسب با هر زمانی اهمیت داده و جهت تحقق موضوع شهروندی و پرورش شهروندان علاقه مند بوده‌اند. برای مثال افلاطون و ارسطو، ماکیاولی، روسو، میل ، لاک و بسیاری از فلاسفهٔ معاصر مثل دیویی را می‌توان نام برد که ضمن تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش سعی در تحقق این امر نمودند. در بیان چیستی شهروندی باید گفت: یک شهروند خوب باید با معلومات مفید بوده و خصوصا در بعد اجتماعی فردی صادق و دارای حس همکاری باشد و در نتیجه برخورداری از آموزشهای لازم، نگرشها و خصلتهای اجتماعی مطلوبی از خود نشان دهد. بر این اساس فردی که فاقد چنین صفات اکتسابی باشد نمی‌تواند عضو مفید و مؤثر جامعه به حساب آید. در بیان چیستی پرورش سیاسی یا تربیت سیاسی باید گفت: طی نیم قرن اخیرمفهوم پرورش سیاسی (سیاسی کردن یا جامعه پذیری سیاسی) با مفهوم شهروندی جایگزین گردیده است. و هدف از پرورش سیاسی تنظیم رفتارهای کودکان و نوجوانان به مقتضای نیاز آنها و جامعه

در اسلوبهای اجتماعی و سیاسی تعریف شده می‌باشد، پرورش سیاسی، اقدامی در جهت دریافت، فهم، پذیرش و درونی‌سازی هنجارها و ارزشهای نظام سیاسی جامعه می‌باشد. که این امر جزء کارکردهای مهم آموزش و پرورش به حساب می‌آید. همان گونه که از موضوع تربیت سیاسی بر می آید مفاهیم اساسی این بحث «تربیت» و «سیاست» در تربیت سیاسی‌اند که نخست به تبیین این مفاهیم می پردازیم. تربیت: کلمه ای عربی و معادل با "Education" در زبان انگلیسی است که در فارسی به آموزش و پرورش ترجمه میشود. کلمه‌ی تربیت از ریشه ی ربو گرفته شده است .در المنجد ص۲٤۷، "ربو" گاه به معنای غذا دادن و گاه به معنای تهذیب و پاک ساختن اخلاق فرد به کار رفته است((منبع؟))(معلوف،۱۳٦۲،ص۲٤۷.). معنای اصطلاحی تربیت: عبارت است از رشد دادن و یا فراهم آوردن زمینه رشد وشکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته یک موجود می‌باشد بدین ترتیب به انسان اختصاص ندارد و در مورد هر موجودی که قابلیت رشد دارد، صادق است و هرگاه در مورد انسان به کار رود،کلیه ابعاد وجودی وی را شامل می شود. رهبر و رحیمیان،۱۳۷۸،ص٥٤. در لغت نامه دهخدا سیاست به معنی مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روشهای بهتر در اداره شئون کشور یا علم اداره یک جامعه متشکل و یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت، همواره در ارتباط با بخشی از زندگی انسان مطرح است و چون به عمل انسان مربوط می شود، ناگزیر با دین، که متکفل بیان شیوه های زیستن است، تماس پیدا می کند و از این رو یا در تضاد با آن و یا همسوی آن عمل می کند .در هر دو حال، دین به سیاست نظر دارد و سیاست به نوبه خود در قلمرو دین عمل می کند.(دهخدا درعمید زنجانی.۱۳۷٤، ص٥٦.) سیاست از نگاه اسلام بر دو گونه است، پسندیده و ناپسند؛ آن سیاستی که در راه اجرای عدالت، ادای حقوق مردم و رعایت ارزشهای الهی به کار رود، پسندیده است و آن سیاستی که در راه ستم به مردم و هر گونه باطل و مفاسد به کار رود، منفی و ناپسندیده است .(مزینانی، ۱۳۸٦،صص۱۱۷–۱۱۸). تربیت تحت هر عنوان و شرایطی نمی تواند از سیاست، جدا باشد و منظور از سیاست، مشی و روشی است که در آن روابط متقابل مردم با هیئت زمامدار، وضع و تشریح قوانین و کیفیت تحزب برای پیشبرد اهداف مورد بحث است؛ آدمی نمی تواند دور از اجتماع و برکنار از تاثرات سیاسی به ادامه زندگی بپردازد، پس باید راه و رسم چنین حیاتی را بداند و از مسائل و جوانب آن سر در آورد. قائمی،۱۳٦۸،ص٦۷ . به بیان دیگر: تربیت سیاسی یعنی شکوفاسازی استعدادهای مدیریتی و سیاسی فرد، همراه با پرورش ارزشهای دینی که فرایندی فراگیر و عمومی است و به منظور تربیت شهروندان مسئول و وظیفه شناس و پرورش کارگزاران کاردان و شایسته در اداره امور جامعه به تدریج اجرا میشود. اعرافی، ۱۳۷۹،ص٤٦۳. سیاسی«، یعنی منسوب به سیاست، سیاست به معانی حکومت ، ریاست، داوری، حفاظت، حراست و حکم راندن می باشد.(حاجی ده آبادی۱۳۹٤، ص۱۲). سیاست در لغت به معنی اصلاح امور خلق، اداره کارهای مملکت، حکم راندن بر رعیت و ریاست کردن است.(فرهنگ معین،ص۹۰۲). تربیت سیاسی که به آن پرورش سیاسی نیز گفته می شود، جریانی است که شخص از طریق آن جهت گیری سیاسی خود را در جامعه انتخاب می کند و به این ترتیب ارزشهای سیاسی و اجتماعی از یک نسل به نسل بعدی منتقل می شود .بنابراین می توان گفت: تربیت سیاسی جذب و درونی کردن هنجارها و ارزشهای نظام سیاسی جامعه است.(منشور تربیت سیاسی ۱۳۷۹، ص ۲۲). در هدایت و تربیت سیاسی جامعه خصوصا تربیت نسل نو لازم است به منظور حصول نتیجه مطلوب به پدیده سیاست ستیزی، سیاست گریزی وخصوصا سیاست زدگی توجه داشت، زیرا در سیاست ستیزی و سیاست گریزی مردم نسبت به سیاست و قدرت و دولت بی تفاوت شده و نسبت به نوع حکومت، خط مشی دولت و ....حساس نیستند و در صورت سیاست زدگی

بر اساس منافع شخصی عمل نموده که یا توجیه گر اعمال حاکمیت بوده و یا همه معضلات اجتماعی را به حاکمیت نسبت داده و از ایفای درست نقش خویش طفره می‌روند و این مخل به مقصود در تربیت سیاسی جامعه است.

پیشینه تحقیق:

– کافی امامی، احمدی‌تبار (۱٤۰۲). در "ضرورت تربیت سیاسی فرزندان در اسلام" اظهار می‌دارد: تربیت و تعلیم جامعه، به ویژه فرزندان، توسط عوامل مختلفی ازجمله خانواده، حاکمیت و جامعه محقق می شود، ولی رهبری آن توسط قوانین الهی و یا حکومت، به عاملیت والدین، به ویژه پدر صورت می گیرد.

– فرامرزنیا سمیه۱٤۰۳ در "بررسی روشهای تربیت سیاسی در دانش آموزان." بیان می‌دارد: تربیت سیاسی به معنای آموزش و پرورش افراد به منظور شناخت و درک بهتر از مفاهیم سیاسی و اجتماعی است تا بتوانند در جامعه به عنوان شهروندان فعال و مسئول شرکت کنند. تربیت سیاسی دانش‌آموزان به تقویت ارتباط اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند

– صغری جزی،رضا صادقی،مهدی رحمت و... در "برنامه درسی و توسعه سیاسی بیان می‌دارند:. تربیت سیاسی در آموزش وپرورش» سیاسی کردن فرهنگ و تبدیل عرصه فرهنگ و تربیت به ابزار سیاست نیست. در آموزش و پرورش باید به سیاست از منظر فرهنگ. اخلاق و عقلانیت نگریسته شودء سیاست‌بازی و سیاست‌گریزی دو آفت بزرگ توسعه سیاسی است؛ چون اولی مصالح کشور را در اردوگاه منافع حزبی خود ذبح می‌کند و دیگری مردم را به انزوا می‌کشاند.

عوامل موثر بر تربیت سیاسی دانش‌آموزان:

فرهنگ عمومی جامعه: پیدایش فرهنگ باعث دگرگونیِ مدار تکامل می شود. از نظر اندامی و فیزیولوژیک، نوع انسان بسیار اندک تحول پیدا می کند. با نوآوری ها، کاربردی شدن دستاوردها، بازسازماندهی ها، این فرهنگ ها هستند که در آهنگ تحول در فنونی که توسعه پیدا می کنند، در اعتقادات و اساطیری که رنگ به رنگ می شوند، ره می سپرند. (مورن۳،۱۳۹٦،ص٤۳). فرهنگ مجموعه ای از عادات، رسوم، رفتارها، مهارت ها، دانش ها، قواعد، موازین، ممنوعیت‌ها، راهبردها، اعتقادات، ایده ها، ارزش ها و اسطوره هاست که از نسلی به نسل دیگر تداوم پیدا می کند، و اینها در هر فرد باز تولید شده و مولد و احیا کننده پیچیدگی اجتماعی هستند. فرهنگ، همهٔ آنچه را که در فرهنگ، نگهداشته شده، انتقال داده شده و آموخته شده است، انباشته می کند. (همان، ص٤٤). فرهنگ تجلی عظیم و ویژه جامعه انسانی است. از همان ابتدای تولد، فرد شروع به آمیخته کردن میراث فرهنگی خود می کند که آموزش، سوگیری و رشدش را تضمین میکند. چنین است که فرهنگ مجموعه شخصیت را کنترل و تربیت میکند. این گونه فرهنگ هم فرد را در زنجیر خود دارد و هم بالهای او را باز می گذارد که آزاد و خود مختار باشد. فرهنگ در اصل، منبع آفرینندگی ، باز آفرینندگی پیچیدگی جوامع انسانی است. در بیان امام خمینی "فرهنگ باید متحول بشود تحول می خواهد بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود برای اینکه بزرگترین مؤسسه ای است

3 -morin edgar

که ملت را یا به تباهی میکشد یا به اوج عظمت و قدرت میکشد. برنامه های فرهنگی تحول لازم دارد فرهنگ باید متحول بشود. " خمینی،۱۳۵۸،ص۱٤۰." فرهنگ میتواند حل عقده ها را بکند. فرهنگ اساس ملت است .اساس ملیت یک ملت است." همان،ص۲۳۹.

نهاد اجتماعی دین: از منظر پیچیدگی: برخی تصور می کردند که می توانند اعتقاد مذهبی را کاملا در برابر اعتقاد نظری بگذارند. در واقع ایمان در مذاهب بزرگ، امنیت ، نشاط و رهایی به ارمغان می آورد. حقیقت رستگاری و پیروزیقین را بر شک تضمین می کند و پاسخی به نگرانی انسان در برابر سرنوشت و مرگ فراهم میسازد. با وجود این ، بنا بر معنایی که در اینجا برای واژه "مذهب" قائل شدیم ، در گرویدن آموزه ها و نظریه ها از جمله نظریه های علمی می توان عنصری مذهبی یافت و این عنصر مذهبی در عمق احساس حقیقت نهفته است. (مورن۱۳۹۱ص ۱٦۹). سرمدی بیان میدارد: دینداری و تربیت رابطه‌ی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در جامعه‌ی اسلامی ایران، دین محور تمامی برنامه ها و سیاستگذاری هاست. سرمدی۱۳۸۵. چنان که امام بیان می دارند "باید تربیت ها به طوری باشد که اسلامی و سازنده باشد که نسل آتیه ان شاء الله یک نسل تربیت شده اسلامی و مفید برای جامعه باشد.(ایشان تربیت را با قید اسلامی بودن سازنده و مفید می‌دانند و این مهم جز با ایفای صحیح نقش نهاد مذهب محقق نخواهد شد.) عالم بودن تنها فایده ندارد البته مومن تنها هم موثر خیلی نیست، خوب قشرهای دیگر هم مومن هستند اما عالم وقتی مومن شد، عالم وقتی متقی شد آن است که منشاء خیرات و برکات است. (علم را با قید ایمان و تقوا مفید و منشاء برکات می‌دانند) در قشر ما هم اگر بنا باشد که همین ملایی باشد این ملا بسیار ملای خوبی است، بسیار آدم فهمیده ای است کتاب و سنت را بسیار خوب میفهمد اما اگر چنانچه تقوا در کار نباشد همین فهم کتاب و سنت موجب اعوجاج مردم میشود، در سنت یک جور سنت را بیان میکند که منحرف بکند .در کتاب یک جور کتاب را بیان میکند که منحرف بکند." (خمینی ۱۳۵۸،ص۲۵۱).

خانواده: از منظر پیچیدگی خانواده هنوز هم یک کانون روانشناختی اساسی است. نام خانواده، هویت شخصی را بنیان می گذارد. غوطه وری فرزندان در بستر خانواده در سالهای حیاتی شکل گیری‌شان نقش بسیار مهمی در سرنوشت فردی دارد. شخصیت پدر و مادر در روح و روان کودک برای تمام زندگی حک می شود. پدر تجسم اقتدار و مادر تجسم عشق، نشانه های خود را بر بوم- سرنوشت فردی فرزندان نقش می زنند. (مورن۱۳۹٤ ،ص۲۲۲). در بیان امام خانواده به دلایل چندی در تربیت فرزند در همه ی ابعاد و از جمله تربیت سیاسی نقش ویژه و با اهمیتی را به عهده دارد . ایشان خطاب به خانواده‌ها بیان می‌دارد "اول مرتبهٔ تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر، برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علائق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست بچه ها از مادر بهتر چیز اخذ می کنند. آنقدری که تحت تأثیر مادر هستند تحت تأثیر پدر نیستند تحت تأثیر معلم نیستند تحت تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه هایتان را در دامنتان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می دهید شما این بچه را به دبستان یک بچه ،صحیح اخلاق، خوب آداب ، تحویل بدهید.(خمینی،۱۳۵۸،ص۱۵۷).

نظام آموزش به عنوان یک سیستم: ازمنظر پیچیده این نهادِ انسان‌ساز است که جهت تحقق یک جهان-جامعه که متشکل از شهروندان پیشتاز، آگاه و نقاد خواهد بود باید شرایط مناسب را ایجاد و تقویت نماید (مورن. ۱۳۸۷. ص۸۸). به گفته مورن تحقق این هدف در صورتی ممکن است که در مرتبهٔ اول اقدام، نحوهٔ تأثیر انسان‌شناسی در پارادایم سادگی یعنی واقع گرایی ساده، علیت خطی و تعین گرایی را

بشناسیم، محدودیت ها، نارسائی ها و نقص های آن را بدانیم (مورن. ۲۰۰۲. ص۹٤) و سپس با تکمیل آن به وسیلهٔ مؤلفه های انسان شناسی پارادایم پیچیدگی وارد تربیت نسل نو شویم. از منظر پیچیده برون داد یا اوت پوت آموزش و پرورش باید دانش آموزی باشد که شیوه حل مسئله را فراگرفته تا آمادگی مواجهه با مسائل جامعه را پیدا کند و توانایی لازم برای حل مسائل جامعه خویش را داشته باشد، از جمله مسائل متعدد پیش روی هر فرد مسائل سیاسی–اجتماعی بوده که با یک تحلیل ساده منطقی در می یابیم که باید فراگیر قادر به فهم، تحلیل و حل مسائل جامعه و محیط پیرامونی خویش و جهان باشد، و نیز در می یابیم، معلمی که قرار است تسهیل گر ایجاد این توانایی در فراگیر باشد، خود باید در این امر چندان تبحر داشته باشد که فراتر از بازنمایی وضعیت پیرامونی فرد یعنی جامعه و جهان، قادر به نوپدیدی بر اساس وضع حال و آینده مطلوب جامعه با مشارکت و هم افزایی فراگیران باشد، چنین فردی ضروری است که به کمک آموزشهای لازم از قبل، شیوه آموزشی مبتنی بر نظریه‌ی پیچیدگی را بداند و از طرفی خود قادر به شناخت و تحلیل پدیده های اجتماعی خصوصا مباحث مرتبط با حکومت باشد. همانگونه که طی ادوار پیشین عوامل موثر در پرورش جوانان و اقشار مختلف جامعه همت خویش را مبذول تربیت شهروندان می نمودند. که از آن جمله می‌توان افلاطون و ارسطو را به عنوان اولین کسانی نام برد که آموزش و پرورش را به عنوان نهادی اجتماعی عهده دار تربیت شهروندی در جامعه می‌دانستند. همچنین از جمله دانشمندان معاصر میتوان دیویی را نام برد که نقش آموزش و پرورش را در نظم بخشی سیاسی جامعه با اهمیت می دانست. رابطه بین آموزش و پرورش و نظم سیاسی در قالب یک نظام سیاسی به عنوان نظام کنش‌های دوسویه شکل می‌گیرد. این نظام علاوه بر ساختارهای حاکمیتی به فرهنگ سیاسی نیز دلالت دارد. فرآیند تعلیم و تربیت صرفا در نهادی به نام آموزش و پرورش شکل نمی‌گیرد بلکه این فرایند در مجموعه نهادهای اجتماعی مانند نهاد دین، خانواده، گروه همسالان و.... محقق می‌گردد. جوامع با هر پیشینه فرهنگی بر اساس نیازها و ضرورتهای ناشی از تبادلات فرهنگی و ارتقاء سطح سواد افراد پیوسته در حال دگرگونی و تغییرات اجتماعی قرار دارد. این تغییرات و بازبینی شیوه زندگی اجداد و نیاکان که بر اساس نیازهای روز جامعه شکل می گیرد، از ناحیه جامعه نخبگانی به باور آحاد جامعه تزریق وباعث تغییرات می گردد. عامل این انتقال به نسلهای بعدی، آموزش و پرورش است. که این امر از طریق فوق برنامه‌های تربیت سیاسی و ایجاد گرایش فراگیران به باور و منش جامعه پذیری و شناخت حقوق و وظایف خویش از حاکمیت محقق می‌گردد. به نظر لازم می آید ما با همین نگرش مبتنی بر پیچیدگی ، پدیده های تربیتی ، در ایدئولوژی را منطبق بر نیازهای جامعهٔ اسلامی ایرانی از منابع اسلامی استخراج کرده، به صورت کاربردی به کار گرفته و به جهان عرضه نماییم. آنچه در تحقق چنین سیستم آموزشی کارآمدی مهم است اعتقاد واقدام موثر جهت ایجاد تغییر در تمام ابعاد آموزشی و پرورشی می باشد. به بیان امام خمینی به عنوان راس نهاد دین و صاحب نظر در امور سیاسی در جامعه: "فرهنگ باید متحول بشود . بزرگترین تحولی که باید بشود، در فرهنگ باید بشود برای اینکه بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی میکشد یا به اوج عظمت و قدرت میکشد .برنامه های فرهنگی تحول لازم دارد.(خمینی،۱۳۸۵،ص ۲۳۹.)معلمان خیلی مقام بزرگ دارند و خیلی مسئولیت بزرگ اگر معلمان ما کوتاهی کنند در تعلیم مسئول هستند .معلمین هستند که میتوانند مملکت را حفظ کنند. جوانهای ما آنهایی که مقدرات مملکت به دست آنها خواهد آمد، زیر دست معلمین باید تربیت بشوند اگر تربیت صالح شدند مملکت صالح به دست ما می افتد و اگر خدای نخواسته تربیت های غیر الهی شد مملکت از دست میرود. (همان،ص۱٤۰.)

روش تحقیق: با توجه به اهداف بیان شده تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است. تحقیق کاربردی، پژوهشی است که به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختار و الگوهای مورد استفاده در جوامع انسانی انجام می شود. این تحقیق در زمره تحقیقات کیفی و از نظر شیوه جمع آوری و تحلیل داده ها از نوع توصیفی تحلیلی می باشد.

یافته‌های پژوهش: ۱- ویژگی‌های دانش‌آموز کارآمد از منظر پیچیدگی با تاکید بر نظر امام خمینی کدام است؟ تربیت امری است که موضوع آن انسان تحت عنوان "یادگیرنده" می‌باشد، انسانی که متشکل از ابعاد متنوع جسمی، ذهنی، روانی، اجتماعی و ... است. تعلیم و تربیت به عنوان طرحی برای یادگیری این انسان در صورتی کارامد و اثربخش خواهد بود که مبتنی بر ابعاد وجودی متنوع، چندبعدی و نیازهای یادگیرنده باشد. دانش‌آموز به عنوان یادگیرنده عنصر مهم تربیت و فرایند برنامه درسی، موجودی پیچیده، چندبعدی، غیرقابل پیش‌بینی با تعاملات پیچیده با جهان هستی می‌باشد. او به تدبر، تفکر و تعقل می‌پردازد و خودش می‌تواند نیازهای یادگیری‌اش را تعیین کند و برای خود برنامه توسعه داشته و شایستگی‌های خود را مطابق محیط‌های بدیعی که امروزه به وجود می‌آید انطباق دهد. تا تنها بر پایه فرهنگ و جامعه خود پرورش یافته بلکه ویژگی‌هایی در درون او رشدکند که او را فراتر از سطح پایه فرهنگی و اجتماعی که در آن رشد کرده است برساند، و در نهایت به سطح پیچیدگی اجتماعی و بداعت انسانی کافی دسترسی پیداکند. او سعی می‌کند از منابع مختلف یاد بگیرد و خودش را مثل یک سیستم پویا تغییردهد. در این فرایند او از صورت ارگانیسم به فردی کارآمد، و به طور مشخص دانش‌آموزی کارآمد بدل می‌گردد. در مقابل چون محیط کودکان غالباً فاقد زمینه لازم برای این که بتوانند زندگی باطنی خویش را در آن رشد دهند. مخاطرات ناشی از تخیلات پرورش نایافته برای کودکان می‌تواند شامل بزه کاری، خشونت، پرخوری و استعمال مواد مخدر باشد. و چون کودکان دارای انگیزه های ناگهانی بوده و فاقد رشد کافی در زندگی معنوی می باشند. گرایش و تمایل به مخاطرات فوق در آنها نمایان می گردد. اما کودکانی که از تربیت صحیح برخوردارند قادرند اندیشه و تفکر خود را بکار برده در نتیجه تمایلات بیشتری به آرامش و اتکاء به نفس در رفتار و اخلاق خود داشته باشند. این توجه و تمایل در دوران نوجوانی نیز ادامه می یابد.

۲- ماهیت تربیت سیاسی دانش آموزان و عوامل موثر بر آن کدام است؟ جامعه‌پذیری سیاسی عاملی هست که در این فرآیند فرد با فرهنگ سیاسی جامعه خویش آشنا شده و هنجارها، باورها، مهارتها و ارزشهای سیاسی جامعه را فراگرفته و درونی می نماید. از این راه او به شهروندی تبدیل می‌گردد که انتظارات نظام سیاسی و جامعه خویش را برآورده میسازد. فراگیری مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های سیاسی جامعه او را قادر به فهم، تحلیل و حل مسائل جامعه و محیط پیرامونی خویش و جهان باشند هدف از تربیت سیاسی، مشارکت دادن دانش‌آموزان در ساختن جهان خود و مشارکت در آفرینش جهانی نو میباشد. از مصادیق بارز این آفرینش در بعد سیاسی-اجتماعی شناخت ماهیت و ایفای نقش در انتخاب، ایجاد و نظارت بر حاکمیت جامعه و تثبیت آن است. بین تربیت دینی و تربیت سیاسی پیوند وثیق وجود دارد؛ زیرا سیاست در دین به نحوی مستتر است که حتی در اسلام احکام اخلاقی اش هم سیاست می‌باشد. خروجی چنین تربیتی شهروند خوبی است که برخوردار از معلومات مفید بوده و خصوصا در بعد اجتماعی فردی صادق و دارای حس همکاری می باشد و خصلتهای اجتماعی مطلوبی از خود نشان دهد. طی نیم قرن اخیرمفهوم پرورش سیاسی (سیاسی کردن یا جامعه پذیری سیاسی) با مفهوم شهروندی جایگزین گردیده است. و هدف از پرورش سیاسی تنظیم رفتارهای کودکان و نوجوانان به مقتضای نیاز آنها و جامعه در اسلوبهای اجتماعی

و سیاسی تعریف شده می‌باشد، پرورش سیاسی، اقدامی در جهت دریافت، فهم، پذیرش و درونی‌سازی هنجارها و ارزشهای نظام سیاسی جامعه می‌باشد. تربیت تحت هر عنوان و شرایطی نمی تواند از سیاست، جدا باشد و منظور از سیاست، مشی و روشی است که در آن روابط متقابل مردم با هیئت زمامدار، وضع و تشریح قوانین و کیفیت تحزب برای پیشبرد اهداف مورد بحث است؛ آدمی نمی تواند دور از اجتماع و برکنار از تاثرات سیاسی به ادامه زندگی بپردازد، پس باید راه و رسم چنین حیاتی را بداند و از مسائل و جوانب آن سر در آورد. تربیت سیاسی یعنی شکوفاسازی استعدادهای مدیریتی و سیاسی فرد، همراه با پرورش ارزشهای دینی که فرایندی فراگیر و عمومی است و به منظور تربیت شهروندان مسئول و وظیفه شناس و پرورش کارگزاران کاردان و شایسته در اداره امور جامعه به تدریج اجرا میشود. تربیت سیاسی که به آن پرورش سیاسی نیز گفته می شود، جریانی است که شخص از طریق آن جهت گیری سیاسی خود را در جامعه انتخاب می کند: تربیت سیاسی جذب و درونی کردن هنجارها و ارزشهای نظام سیاسی جامعه است.

یکی از عوامل موثر بر تربیت سیاسی دانش‌آموزان نظام آموزش به عنوان یک سیستم می باشد، این نهادِ انسان‌ساز جهت تحقق یک جهان-جامعه که متشکل از شهروندان پیشتاز، آگاه و نقاد خواهد بود که رابطه بین آموزش و پرورش و نظم سیاسی در قالب یک نظام سیاسی به عنوان نظام کنش‌های دوسویه شکل می‌گیرد. این نظام علاوه بر ساختارهای حاکمیتی به فرهنگ سیاسی نیز دلالت دارد. آموزش و پرورش رسمی و به طور خاص مدارس عمومی یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل در جامعه پذیری سیاسی افراد محسوب میگردند، نظام آموزشی به عنوان مجموعه‌ای زیرسیستم از نظام حاکم بوده و بین ایندو رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. بدین گونه که، بصورت یک جریان رفت و برگشتی، حاکمیت مفاهیم، آموزه‌ها و پیام‌های سیاسی تعیینی خود را از طریق برنامه درسی دستوری و از بالا به پایین از زبان معلم به فراگیران انتقال داده و متقابلا سیستم آموزشی با انتقال این مفاهیم دانش‌آموزان را جهت عهده‌داری نقش‌های سیاسی و ایجاد پایداری و بقای نظام سیاسی تربیت می‌نماید. عامل دیگر فرهنگ عمومی جامعه بوده و نقش آن باز آفرینندگی پیچیدگی جوامع انسانی است. بر این اساس فرهنگ اساس ملت است .اساس ملیت یک ملت است. عامل دیگر نهاد اجتماعی دین است که متکفل تقویت ایمان و اعتقاد جامعه است. ایمان در مذاهب بزرگ، امنیت ، نشاط و رهایی به ارمغان می آورد. حقیقت رستگاری و پیروزی یقین را بر شک تضمین می کند و پاسخی به نگرانی انسان در برابر سرنوشت و مرگ فراهم میسازد. عامل دیگر خانواده می‌باشد، خانواده هنوز هم یک کانون روانشناختی اساسی است. خانواده، هویت شخصی را بنیان می گذارد. غوطه وری فرزندان در بستر خانواده در سالهای حیاتی شکل گیری‌شان نقش بسیار مهمی در سرنوشت فردی دارد. خانواده به دلایل چندی در تربیت فرزند در همه ی ابعاد و از جمله تربیت سیاسی نقش ویژه و با اهمیتی را به عهده دارد.((این موارد از منظر امام است اما هیچ ارجاعی به ایشان نشده)))

۳-تاثیر تربیت سیاسی در اندیشه و رفتار اجتماعی و تعاملات فرد با جامعه و حاکمیت چگونه است؟ شکل‌گیری اندیشه و تاثیر آن بر رفتار اجتماعی و تعاملات فرد با جامعه و حاکمیت نتیجه قبول جامعه‌پذیری سیاسی بوده که خود نیز حاصل تربیت صحیح سیاسی می‌باشد. فرد از این طریق به شهروندی تبدیل می‌گردد که انتظارات نظام سیاسی و جامعه خویش را برآورده میسازد. این تعاملات سیستمی، فعال و خردمندانه نتیجه برخورداری فرد از رشد اجتماعی و شناختی بوده که آثار آن کمک به شکوفایی و بالندگی در جامعه و تعاملی تسهیل‌گرانه-نظارتی در جهت تحقق اهداف تعالی‌گرایانه حاکمیت قرار می‌گیرد. زیرا به بیان کلمن ((منبع؟)): هر چه که در دولت است در

مدرسه هم هست و هر چه که می خواهید در دولت وارد کنید باید در مدرسه وارد کنید. این امر متوقف است بر اینکه حاکمیت از طریق نظام آموزشی مفاهیم، آموزه‌ها و پیام‌های سیاسی تعیینی خود را از طریق برنامه درسی دستوری و از بالا به پایین از زبان معلم به فراگیران انتقال داده و متقابلا سیستم آموزشی با انتقال این مفاهیم دانش‌آموزان راجهت عهده‌داری نقش‌های سیاسی و ایجاد پایداری و بقای نظام سیاسی تربیت نماید. آموزش و پرورش با مشارکت دادن دانش‌آموزان به دنبال آفرینش جهانی نو میباشد. از مصادیق بارز این آفرینش در بعد سیاسی-اجتماعی شناختِ ماهیت و ایفای نقش در انتخاب، ایجاد و نظارت بر حاکمیت جامعه و تثبیت آن است. همان‌گونه که امام خمینی نظارت مردم بر قدرت سیاسی و حکومت را به عنوان یک تکلیف این‌گونه بیان می‌دارد که: اگر من یک پایم را کج گذاشتم ملت موظف است که بگوید پایت را کج گذاشتی متوجه باش و خودت را حفظ کن. ((منبع؟ة))همه ملت موظفند در کارهایی که مربوط به اسلام است نظارت کنند. هدف تربیت سیاسی ایفای نقش در اجتماع است، . به این معنا که دانش‌آموزان به سطح پیچیدگی اجتماعی و بداعت انسانی کافی دسترسی پیدا کرده و قادر به حل مسائل سیاسی جامعه باشند.

نتیجه‌گیری: موسسات آموزشی، پرورشی و فرهنگی اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی و مؤسسات دولتی مرتبط ضروری است با نگاهی مبتنی بر نظریهٔ پیچیدگی دیده شوند و از نگاه اثبات گرایی نیوتنی و خطی علّی معلولی صرف به این مؤسسات پرهیز گردد و همراه با تحولات اجتماعی و جهانی مبتنی بر نیازهای روزآمد شده، با مد نظر داشتن مصالح ملی، منابع بالادستی، اعتقادات و فلسفه حاکم بر تعلیم و تربیت راهکارهای روزآمد توصیه کنند، همچنین خودِ سازمانهای مرتبط نیز در جهت خودسازمان‌گری و با دیدی انطباقی و انعطافی با مسائل جاری مواجه شوند؛ در این صورت است که سازمانها و مراکز آموزشی کارآمد که حاصل چالاکی و انعطاف آنهاست به وجود آمده و برون داد و محصول آنها افرادی خودسازمانگر، منعطف، کارآمد و روزآمد خواهد بود که قادرند معضلات پیچیدهٔ خود و اجتماع را به بهترین نحو ممکن حل کرده و جامعه را به سعادت رهنمون شوند و آن اهداف غایی ترسیم شده را محقق سازند. مدرسه باید نمونه‌ای از محل زندگی دانش‌آموز باشد و در آنجا آموزش مستمر مطابق میل و رضایت دانش‌آموز انجام شود.«مدرسه توصیه شده نظریه پیچیدگی یک مدل کوچک از اجتماع خواهد بود به طوری که نیازها و توانمندی‌هایی که دانش‌آموز برای ورود به یک جامعه بزرگ‌تر از مدرسه بدان‌ها نیازمند است، را به او انتقال دهد.». به نظر لازم می آید ما با همین نگرش مبتنی بر پیچیدگی ، پدیده های تربیتی ایدئولوژیک را با روش منطبق بر نیازهای جامعهٔ اسلامی از منابع معتبر استخراج کرده، به صورت کاربردی بازتعریف نموده، به کار گرفته و به جهان عرضه نماییم. آنچه به عنوان پیش‌نیاز در تحقق چنین سیستم آموزشی کارآمدی مهم است اعتقاد واقدام موثر جهت ایجاد تغییر در تمام ابعاد آموزشی و پرورشی می باشد. به بیان امام خمینی فرهنگ باید متحول بشود .... جوانها را مستقیم بار بیاورید آدم بار بیاورید. فرهنگی اگر خوب باشد مملکت خوب میشود اگر منحرف باشد مملکت خراب میشود. در عالم هیچ موجودی به پایه انسان نمی رسد انسانها را یا مهذب بار می آورد، متعهد بار می آورد و یا انگل بار می آورد. یک تربیت صحیح اسلامی که در تربیت صحیح اسلامی همه چیز است . ایشان شرط تحقق اهداف سابق‌الذکر را تربیت صحیح اسلامی می‌داند که خروجی آن انسان متعهد است.

پیشنهادات: نظر به مطالعه سینگر((منبع؟ة))) که نشان می دهد که در یک کلینیک آموزشیِ رفتار کودکان، کودکان اندیشمند احتمالا کمتر به خشونت روی می آورند. گرچه همانند سایر کودکان کلینیک، از لحاظ عاطفی مواجه با مشکل می باشند، ولی در مقایسه با همکلاسان

غیر اندیشمند خود مشکلات خود را با روشی غیر تهاجمی نشان می دهند. این بررسی ها مشخص می نماید که افرادی که دارای زندگی باطنی رشد نایافته ای هستند غالبا بیشتر در معرض انگیزه های خارجی قرار می گیرند. کودکان برای پیگیری منافع خود نیاز به زمان دارند تا موفقیت و شکست را تجربه نمایند .،(میلر۱۹۴۳،ص۷۰) . جهت رشد کودک و کسب خصوصیت کارآمدی باید به کودکان فرصت داده شود تا برخی رفتارهای مسؤولانه بزرگترها را تمرین نمایند. کودکان برای فکر کردن و احساس مسؤولیت اعمال خود باید تشویق گردند. باید خودگردانی را تمرین نموده و با مشارکت در تصمیم گیری، احساس اهمیت و ارزش نمایند. باید به آنها اجازه داده شود تا با سایر کودکان در سنین دیگر و در یک محیط شبه فامیلی کار کرده، بازی کنند و پیشرفت، خود را ارزیابی نمایند. آنها باید نسبت به خود احساس مطلوبی داشته باشند و در فرصت هایی مناسب برای بحث در مورد احساسات و نگرانی آنها ملاقات شوند. باید دارای آزادی فردی باشند، البته نه به بهای سلب آزادی دیگران .با وظایف خویش در قالب تربیت سیاسی جهت ایفای نقش در اجتماع آشنا گردند. بر این اساس فراگیری مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های سیاسی جامعه برای همه از جمله دانش‌آموزان ضروری بوده تا قادر به فهم، تحلیل و حل مسائل جامعه و محیط پیرامونی خویش و جهان باشند تا در بدو ورود به مدرسه و اجتماع فردی صحیح اخلاق، خوب آداب شده و با آمیخته کردن میراث فرهنگی، آموزش، سوگیری و رشد او تضمین گردد. زیرا فرهنگ مجموعه شخصیت را کنترل و فرد را تربیت میکند. به بیان دیگر چون بین تربیت دینی و تربیت سیاسی پیوند وثیق وجود دارد؛ در تربیت کودک از این‌دو نباید غافل بود.((پیشنهاد تلخیص)))

راه‌کارهای عملی:

– آشنایی و ارتباط دادن دانش آموزان با کتابخانه، نخبگان فکری فرهنگی و نهادهای سیاسی و اجرایی ، برگزاری میزگردها و نمایشگاه ها و ....از سوی نهادها و شخصیت ها در مدارس .

– تبیین نظری مباحث سیاسی برای آشنایی با راهکارهای عملیِ ورود به سیاست و کسب تجارب میدانی دراین راه از طریق برگزاری کارگاه‌های سیاسی .

– بازتعریف وظایف و تکالیف سیاسی مضاف بر وظایف فرهنگی به صورت بخشنامه برای نهاد امور تربیتی.

–آموزش و درونی کردن مباحث و مسائل سیاسی با ابزار هنر از طریق اجرای فوق برنامه‌های مناسب مانند اجرای تاتر دانش‌آموزی، فیلم های سیاسی و نمایش آنها در مدارس.

– راه‌اندازی نظام‌مند تشکلهای دانش‌آموزی با رعایت آزادی و اختیارات تعریف شده.

*توصیه می‌گردد: آموزشهای سیاسی جهت درونی‌سازی مباحث و تحقق یادگیری به گونه‌ای برگزار گردد که در فراگیران و خانواده‌ها ایجاد حساسیت ننموده و خلاف مقصود حاصل نگردد.((پیشنهاد حذف))

منابع

احمدی تبار احمد، امامی کافی، مجید. ضرورت تربیت سیاسی فرزند در اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه سال۱۱، شماره۴۳، ۱۴۰۲.

اعرافی،علی رضا. مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی ع. تهران:نشر تربیت اسلامی.

افهمی بنفشه، پژوهش‌های تربیت اسلامی،سال دوم، شماره دوم،تابستان۸۵ ص۷_۲۶بررسی مضامین و آموزه های سیاسی در کتابهای درسی دوره ی ابتدایی.

جان. پی. میلر،آموزش پرورش و روح، انتشارات اندیشه، ص ۷۰. ۱۳۸۰. ترجمه نادرقلی قورچیان.

جزی صغری ، صادقی رضا،مهدی رحمت و...مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای مدیریت،تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش،ص ۴۳۸-۴۲۶.

حاجی ده آبادی محمد علی، درآمدی بر نظام تربیت اسلامی دفتر تحقیقات اسلامی، ص ۱۲

صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ماه ۶۱.

رساله ی نوین، ج ۴، عبدالکریم بی‌آزارشیرازی ، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلام سال چاپ: ۱۳۷۲.

رهبر،محمدتقی، و رحیمیان،محمدحسن).۱۳۷۸.(اخلاق و تربیت اسلامی.تهران:انتشارات مدرسه.

سرمدی محمود: بررسی رابطه ی بین دینداری با بازده های تربیتی دانش آموزان مقطع متوسطه ی شهر قم.

عمید زنجانی،عباسعلی).۱۳۷۴.(مبانی اندیشه سیاسی اسلام.تهران:انتشارات موسسه فرهنگی اندیشه.

فرامرزنیا سمیه، بررسی و روشهای تربیت سیاسی در دانش آموزان. ،فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، پاییز ۱۴۰۳ شماره۲۴،ص۲۲۱تا۲۳۶.

قائمی، علی. ۱۳۶۴. تربیت و سازندگی.تهران: انتشارات امیری.

لوییس، معلوف، ۱۳۶۲، المنجد، تهران: انتشارات اسماعیلیان.

مزینانی، صادق. روشهای تربیت سیاسی کارگزاران از منظر امیرالمومنین علی ع. ۱۳۸۶.

معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، منشور تربیت سیاسی

مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی،۱۳۷۳، آیین انقلاب اسلامی، ص ۲۳۱

مورن، ادگار. ۱۳۹۴. هویت انسانی-ترجمهٔ امیر نیک پی، فائزه محمدی-نشر قصیده سرا.

مورن، ادگار. (۱۳۹۱ \[۲۰۱۲]). *روش؛ طبیعتِ طبیعت* (ع. اسدی، مترجم). تهران: انتشارات سروش.

مورن، ادگار. (۱۳۹۱ \[۲۰۱۲]). *روش؛ شناختِ شناخت* (ع. اسدی، مترجم). تهران: انتشارات سروش.

مورن، ادگار، دومینگوموتا، ر.، & سییورانا، ر. (۱۳۸۷ \[۲۰۰۸]). *اندیشهٔ پیچیده و روش یادگیری در عصر سیاره‌ای* (م. یمنی دوزی سرخابی، مترجم). پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی اجتماعی